



Analysis of the Nature and Mechanism of the Quran's Mystical Miraculousness from the Perspective of Imam Khomeini (RA) *

Seyyed Esa Mostarhami ¹

Abstract



The Holy Quran, intended to educate and guide humanity, contains the most accurate truths and the highest levels of knowledge. It inspires awe in the minds of the learned and compels them to recognize its profound wisdom. The remarkable structure and eloquence of this sacred text not only enhance its significance but also present mystical teachings that surpass human understanding and challenge ordinary experiences. Imam Khomeini (RA) states that those who are knowledgeable in mysticism and possess a solid understanding of it will recognize the Quran's miraculous nature from a mystical viewpoint and appreciate its exceptional essence. He emphasizes that the core of the Quran's miracle resides in its deep and elevated teachings on monotheism and mysticism. With its rich layers of meaning, the Quran unveils divine beauty and majesty, acting as a portal to divine knowledge that can catalyze a significant transformation in the realm of mysticism. The Quran's comprehensive and epic mysticism serves as the foundation for all forms of mysticism, which perceptive individuals may partially comprehend.

Keywords: Miraculousness of the Quran, Mystical Miraculousness, Imam Khomeini (RA).

*. **Date of Receiving:** 22 - 5 - 2023, **Date of Approving:** 29 - 4 - 2024.

1. Ph.D., Director of the Quran and Natural Sciences Department/ Quran and Hadith Educational Complex/ Al-Mustafa International University: dr.mostarhami@chmail.ir.



نظریه اعجاز عرفانی از منظر امام خمینی (ره) *

سید عیسی مسترحمی^۱



چکیده

قرآن کریم که با هدف تربیت و هدایت انسان‌ها نازل شده است، حاوی دقیق‌ترین حقائق و برترین معارف است؛ آن‌گونه که عقول اهل معرفت در آن حیران مانده و در برابر آن خضوع می‌کند. نه تنها حسن ترکیب و لطف بیان این کتاب مقدس آن را در اوج قرار داده است، نکات و آموزه‌های عرفانی آن، فوق طاق‌ت بشری و خارق عادت است؛ و به تعبیر حضرت امام خمینی علیه السلام، هر آن کس که اهل عرفان و دارای دانش صحیح عرفانی باشد و قرآن را از منظر عرفانی بنگرد، اعجاز آن را از این زاویه درک می‌کند و به اعجاز عرفانی آن اعتراف خواهد کرد. به اعتقاد ایشان، جهت اصلی اعجاز قرآن، معارف بلند و عمیق توحیدی و عرفانی آن است. قرآن با داشتن بطون متعدد، جمال و جلال الهی را چنان متجلی ساخته است که به حقیقت، تنها باب معرفت الهی است و توانست تحول عظیمی در عرفان پدید آورد. عرفان جامع و حماسی قرآن، مبدأ تمام عرفان‌هاست که دوران‌دیشان می‌توانند بخش‌هایی از آن را فهم کنند.

کلیدواژه‌ها: اعجاز قرآن، اعجاز عرفانی، امام خمینی علیه السلام.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰.

۱. استادیار گروه قرآن و علوم طبیعی، مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعة المصطفی ص العالمیة، قم، ایران: dr.mostarhami@chmail.ir.



مقدمه

قرآن کریم کتاب جامع، جهانی و جاودانه الهی است که به همه استعدادها و نیازهای انسان پاسخ می‌دهد. این معجزه جاویدان پیامبر اسلام، تشنگی معنوی و عرفانی انسان را سیراب می‌سازد. این کتاب آسمانی با نزولش انسان را به صعود فرامی‌خواند و زمینه را برای شکوفایی همه‌جانبه استعدادها می‌آورد.

دانشمندان علوم قرآنی و وجه گوناگونی را برای اعجاز قرآن برشمرده‌اند و حتی برخی بالغ بر هشتاد وجه از وجوه اعجاز قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده‌اند (رضایی اصفهانی، علوم قرآن (۲)، ۱۳۹۲: ۱۲۴). ابعاد اعجاز قرآن با اعجاز بیانی قرآن آغاز شده است و با گذشت زمان، جنبه‌های تازه‌ای از اعجاز قرآن آشکار می‌شود. از جمله ابعاد اعجاز قرآن، مباحث عرفانی این کتاب شریف است که در سده اخیر، در کلمات عارف کامل، حضرت امام خمینی رحمه الله مطرح و بسط داده شده است.

مفهوم‌شناسی

الف. اعجاز

اعجاز، مصدر باب افعال و از ماده «عجز» است. این ماده در معنای ضعف و ناتوانی (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ۵۸/۹؛ جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ۱۴۰۴ق: ۸۸۳/۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۲۱۵/۱)، درنگ کردن و تأخیر داشتن (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۲۶ق: ۵۵۳/۲؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۲۰ق: ۲۳۲/۴)، و پایان و انتهای چیزی (جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ۱۴۰۴ق: ۸۸۳/۳؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۲۰ق: ۲۳۳/۴؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۲۶ق: ۵۵۳/۲) به کار رفته است؛ ولی با دقت در معانی و کاربردهای این ماده می‌توان دریافت که معنای اصلی ماده عجز «ضعف» است و معانی دیگر، سبب یا نتیجه ضعف هستند.

به اعتقاد برخی نویسندگان، واژه اعجاز به معنای «ناتوان کردن» (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵ش: ۲۵/۴؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۲۶ق: ۵۴۷)، یا «ناتوان یافتن» (جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ۱۴۰۴ق: ۸۸۳/۳؛ فیومی، مصباح المنیر، ۱۴۰۵ق: ۳۹۳/۲) است.

دانشمندان برای اعجاز شرایط و قیودی ذکر کرده‌اند که می‌توان با تأمل در آن، معجزه را این‌گونه تعریف کرد: معجزه عملی خارق عادت بوده و کاری است که مدعی منصب الهی، برای اثبات

صد اقتش آن را به اذن خداوند انجا می دهد. این عمل مطابق با ادعایش بوده و مردم از انجام همانند آن ناتوان باشند (ر.ک: مهدی زاده و عمادی، اعجاز تربیتی در آیه رضاع از دیدگاه مصطفی رجب و نقد آن، ۱۴۰۱ش: ۷۵).

ب. عرفان

عرفان از ماده «عرف» به معنای ادراک کردن چیزی با تفکر و تدبیر در آثار آن است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۲۶ق: ۵۶۰). برخی نیز معنای اصلی این واژه را سکون و آرامش نفس می دانند (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴۰۲ق: ۹۶/۸)، و از آنجا که با شناخت شیء، نوعی آرامش برای عارف ایجاد می شود، به آن عرفان گفته می شود.

عرفان شناخت و رابطه درونی انسان با خداست (کاشانی، اصطلاحات الصوفیه، ۱۳۷۰ش: ۱۰۴). از بوعلی سینا نقل شده است که او عارف را کسی می داند که ضمیر خود را از توجه به غیر خدا باز دارد و متوجه عالم قدس نماید تا نور حق به آن بتابد (مطهری، آشنایی با علوم اسلامی ۲، ۱۳۷۹ش: ۱/۱۴۴). عرفان، یعنی شناختی که بر اثر سیر و سلوک و مجاهدت با نفس از دریافت های باطنی به دست می آید. مسلم است که عرفان در این معنا اختصاص به عالم اسلام نداشته و امری عام و مشترک میان همه اقوام جهان است (زرین کوب، ارزش میراث صوفیه، ۱۳۸۱ش: ۱۰).

امام خمینی رحمته الله علیه در بیان تفاوت علم و معرفت می نویسند: «علم در اصل لغت مخصوص به کلیات است و معرفت مخصوص به جزئیات و شخصیات، و گویند: عارف بالله کسی است که حق را به مشاهده حضوریه بشناسد و عالم بالله کسی است که به براهین فلسفیه علم به حق پیدا کند» (موسوی خمینی، شرح چهل حدیث، ۱۳۷۴ش: ۳۷).

قیصری در شرح خود بر فصوص الحکم، تعریف جامعی از عرفان داده، می نویسد: «عرفان عبارت است از علم به حضرت حق سبحان از حیث اسماء و صفات و مظاهرش، و علم به مبدأ و معاد و به حقایق عالم و چگونگی بازگشت آن ها به حقیقت واحدی که همان ذات احدی حق تعالی است. و معرفت طریقت سلوک و مجاهده برای رهاساختن نفس از تنگناهای قید و بند جزئیت و پیوستن آن به مبدأ خویش و اتصافش به نعت کلیت.» (قیصری، مقدمه شرح قیصری بر فصوص الحکم، ۱۴۱۶: ۱۰). به اعتقاد قیصری، عرفان کمال ساز عرفانی است که از دین و حیانی و حقیقی زاده شده باشد (همان). صاحب نظران عرفان را به دو بخش نظری و عملی تقسیم می کنند (فناری، مصباح الانس، ۱۳۷۴ش: ۲۷).



پیشینه تفسیر و اعجاز عرفانی قرآن کریم

معارف بلند عرفانی و تأویل متون مذهبی و دینی، به قرآن و احادیث اسلامی منحصر نبوده؛ بلکه سابقه‌ای بس طولانی دارد. در کتب آسمانی و متون دینی پیشین، همچون تورات و انجیل نیز تفسیر عرفانی صورت گرفته است (گاردنر، دنیای سوفی، ۱۳۸۷ش: ۴۱۹ - ۴۴۰؛ هورن، راهنمای الهیات پروتستان، ۱۳۶۸ش: ۳۴)؛ ولی حجم و گونه‌های تفسیر عرفانی در این منابع بسیار متفاوت با قرآن کریم است.

از جمله مهم‌ترین تفاسیر عرفانی که تاکنون در دنیای اسلام به نگارش درآمده‌اند، می‌توان به تفاسیر ذیل اشاره کرد. تفسیر منسوب به امام صادق (علیه السلام)، تفسیر تستری سهل بن عبدالله تستری (۲۸۳ ق)، تفسیر ابوعبدالرحمن سلمی (۴۱۲ ق) معروف به «حقائق التفسیر»، «لطائف الاشارات» قشیری (۴۶۵ ق)، «کشف الاسرار و عدة الابرار» میبدی (۴۸۰ ق)، که اصل آن مربوط به خواجه عبدالله انصاری است و میبدی به شرح و بسط آن پرداخته است، «رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن» ابن عربی محی‌الدین اندلسی مالکی صوفی (۶۳۸ ق)، «تبصیر الرحمن و تیسیر المنان» علی بن احمد بن ابراهیم مهاییمی (۸۳۵ ق)، «الفواتح الالهية و المفاتيح الغيبية الموضحة للكلم القرآنية و الحكم الفرقانية» نعمت‌الله نخجوانی (۹۲۰ ق)، «تفسیر القرآن الکریم» صدرالدین شیرازی معروف به صدر المتألهین (۱۰۵۰م ق)، «مناظر الانوار و مظاهر الاسرار فی تفسیر کتاب الله الملك الجبار» تألیف محمدتقی قزوینی (۱۲۷۰م ق)، «بیان السعادة فی مقامات العباد» منسوب به محمد بن حیدر گنابادی مشهور به ملاسلطان علی (۱۳۲۷ ق).

همان‌گونه که مشاهده شد، تأویل و تفسیر عرفانی قرآن کریم از قرون اولیه اسلامی در میان مسلمانان مطرح بوده است و تفاسیر متعددی با این روش تفسیری به نگارش درآمده‌اند. برخی از این مفسران بر شگرف بودن مطالب عرفانی قرآن تأکید کرده‌اند و در این بین، امام خمینی (ره) نخستین کسی است که از اعجاز عرفانی قرآن سخن به میان می‌آورد. تفضل حضرت امام (ره) بر این وجه از اعجاز قرآن ناشی از اندیشه بلند عرفانی ایشان بوده که بر بسیاری از مباحث علوم قرآنی، از جمله اعجاز پرتو افکنده است.

بایستگی تفسیر عرفانی و باطنی قرآن از منظر حضرت امام (ره)

وجه ضرورت توجه به باطن قرآن و لزوم تأویل آیات آن در دیدگاه امام خمینی این است که توقف در ظاهر آیات و نرفتن به مغز و باطن، موجب جهل و زمینه‌ساز انکار نبوت و ولایت و سبب مرگ و هلاکت است. به بیان ایشان «گمان مکن که کتاب آسمانی و قرآن فروفرستاده ربانی، همین پوسته و

صورت است و بدان که ایستادن در حد صورت و ماندن در حد ظاهر و نرفتن به مغز و باطن، مرگ و هلاکت است و ریشه تمامی جهالت‌ها و پایه تمامی انکار نبوت‌ها و ولایت‌ها می‌باشد.» (موسوی خمینی، شرح دعای سحر، ۱۳۸۴ ش: ۵۹).

امام علیه السلام چون زبان عرفان را نزدیک به زبان قرآن می‌دانستند، به‌طور طبیعی تبیین معارف قرآنی با این زبان را بیش از هر زبان دیگری پسندیده و به‌نوعی تفسیر که در طبقه‌بندی گرایش‌های تفسیری به تفسیر عرفانی یاد می‌شود، رو کرده و تصریح می‌کنند: «بایستی مفسر در مقام تفسیر در هر آیه‌ای از آیات، جهت اهتداء و چگونگی کسب فیض از آن را جهت راه‌یابی به عالم غیب و طی طریق سعادت به مخاطب خود بفهماند، پس مفسر بایستی مقصد نزول و اسرار و رموز آن را تبیین نماید، نه صرفاً سبب نزول را» (موسوی خمینی، آداب الصلاة، ۱۳۷۲ ش: ۱۰۸).

مبانی حضرت امام خمینی علیه السلام در نظریه اعجاز عرفانی

آنچه به فهم و درک بهتر دیدگاه حضرت امام علیه السلام در زمینه اعجاز عرفانی کمک می‌کند، ویژگی‌هایی است که ایشان برای قرآن معتقدند. این ویژگی‌ها در ادامه به اجمال بررسی خواهد شد.

الف. هدف اصلی بودن تربیت در قرآن

ایشان از قرآن با عنوان «کتاب تربیت انسان» یاد می‌کنند (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۴ ش: ۱۵۳/۱۴)، و هدف این کتاب را انسان‌سازی می‌دانند (همان: ۱۲/۴۲۳) و می‌فرماید: «عظمت اسلام و قرآن کریم و بزرگی بزرگان اسلام به قانون‌های راست و درست و معارف و حقایق بلند پایه آنها و تربیت‌ها و تعلیم‌های خردمندانه آنهاست که کفیل سعادت ابدی و نورانیت همیشگی هستند و عهده‌دار زندگی این جهان و آن جهان هستند.» (موسوی خمینی، کشف الاسرار، بی‌تا: ۶۳).

از آنجاکه تربیت، بدون شناخت و معرفت حاصل نمی‌شود و منبع شناخت واقعی باید کامل و خطاناپذیر باشد، قرآن متکفل معرفتی که تربیت را به ارمغان می‌آورد.

ب: قرآن باب معرفت‌الله

امام خمینی علیه السلام قرآن کریم را کتاب معرفت‌الله و طریق سلوک در مسیر معرفت معرفی می‌کنند (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۴ ش: ۱۶/۲۰۹) و می‌فرمایند: «اگر قرآن نبود باب معرفت‌الله بسته بود الی‌الابد و آن فلسفه یونانی یک باب دیگری است که در محل خودش بسیار ارجمند است برای اینکه با استدلال ثابت می‌کند، نه معرفت حاصل می‌شود با دلیل اثبات می‌شود وجود خدای تبارک و تعالی. معرفت غیر اثبات وجود است و قرآن آمده است که هم اثبات بکند به همان طریقه متعارف و



طریقه‌های بلکه نازل‌تر از او و هم پرده دیگرش عرفان قرآن است که او را همین مقدارش هم که در قرآن است در هیچ کتابی نمی‌یابید، حتی در کتب عرفانی اسلامی که متحول شده است و با عرفان قبل از اسلام بسیار فرق دارد، باز تعبیرات قرآن غیر آنی است که آنها دارند (همان: ۲۵۰/۱۷).

امام خمینی علیه السلام معتقدند، «عمده نظر کتاب الهی و انبیای عظام بر توسعه معرفت است.» (همان: ۸۴/۱۹) و «کتاب‌های آسمانی که بالاترینش قرآن کریم است، تمام مقصدش همین است که معرفی کند حق تعالی را با همه اسماء و صفاتی که دارد.» (همان: ۱۵۶/۲۰).

ج: تجلی جمال و جلال الهی در قرآن

بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران علیه السلام، قرآن کریم را از بزرگ‌ترین مظاهر رحمت مطلقه الهیه می‌دانند که از حق تعالی به مبدئیت جمیع شئون ذاتیه و صفاتی و فعلیه و به جمیع تجلیات جمالیه و جلالیه صادر شده است و کتاب‌های آسمانی دیگر این ویژگی را ندارند (موسوی‌خمینی، آداب الصلاة، ۱۳۷۲ش: ۱۸۳). ایشان معتقدند که این صحیفه نورانی، صورت اسم اعظم خداست و در حقیقت سرّی است بین حق و رسول گرامی‌اش و صورت نازل شده آن است که به شکل حروف و کتاب درآمده است. این کتاب سراسر سرّ است، سرّ مستتر به سرّ است و باید تنزل کند تا اینکه به این مراتب نازله برسد (موسوی‌خمینی، تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۸ش: ۱۶۵).

د: فراوانی بطون قرآن

بسیاری از آموزه‌های عرفانی قرآن، از بطون قرآن قابل استنباط‌اند؛ از این‌رو حضرت امام علیه السلام در طرح نظریه اعجاز عرفانی، برای این مبنا جایگاه ویژه‌ای قائل‌اند و می‌نویسند: «از برای کتاب تدوین الهی به اعتباری هفت بطن هست و به توجیه دیگر هفتاد بطن که جز خدا و راسخان در علم کسی را از آن بطون آگاهی نیست و آن معانی را مس نمی‌کند، مگر کسانی که از حدّهای معنوی و اخلاق پست و بد، پاک و پاکیزه بوده و با فضایل علمی و عملی آراسته باشند و هرکس به هر مقدار که منزّه‌تر و مقدس‌تر است، تجلی قرآن بر او بیشتر و حظ و نصیبش از حقایق قرآن فراوان‌تر خواهد بود.» (موسوی‌خمینی، شرح دعای سحر، ۱۳۸۴ش: ۹۵). ایشان مجاهده و تهذیب نفس را وسیله‌ای برای عبور از قشر و صورت قرآن و رسیدن به لب و باطن آن می‌شمارند (همان).

حضرت امام علیه السلام در جای دیگر پس از بیان اهمیت تزکیه نفس و وصول به درجات و شرح صدر برای تحمل ارواح معانی و درک بطون و کشف سرّ حقایق و گشاده‌شدن دل برای تجرید معانی از ظاهر می‌فرمایند: «و از این شجره مبارکه و چشمه زلال است که درهای تأویل بر دل‌های سالکان باز می‌شود

و به شهر علمای راسخین درمی آیند و راه حس را پشت سر گذاشته، به منازل کتاب الهی سفر می کنند؛ زیرا که قرآن را منزل ها و مرحله ها و ظاهرها و باطن هایی است.» (همان: ۷۰).

مهم اینکه، از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، پرداختن به تأویل عرفانی و توجه به معانی باطنی به معنای نادیده گرفتن ظاهر آیات و تفسیر آنها نیست؛ چرا که باطن را به جز از رهگذر ظاهر نمی توان به دست آورد و کسی که فقط راه باطن را پیش گیرد، بدون آنکه به ظاهر نگاه کند، خودش از صراط مستقیم گمراه و دیگران را نیز گمراه خواهد نمود (همان: ۹۸).

هـ: اعجاز قرآن در راستای هدف هدایت

بر هر مفسری لازم است قبل از ورود به تفسیر، هدف از نزول قرآن را بفهمد و به دیگران بفهماند. از منظر امام علیه السلام تفسیر می بایست مبین جهات عرفانی، اخلاقی و دیگر جهات دعوت به سعادت باشد و مفسری که از این جهت غفلت نماید، از مقصود قرآن و منظور اصلی انزال کتب و ارسال رسل، غفلت ورزیده است. از این رو می نویسند: «صاحب این کتاب سکاکی و شیخ نیست که مقصدش جهات بلاغت و فصاحت باشد. سیویه و خلیل نیست تا منظورش جهات نحو و صرف باشد. مسعودی و ابن خلکان نیست تا در اطراف تاریخ عالم بحث کند. این کتاب چون عصای موسی علیه السلام ید بیضای آن سرور یا دم عیسی علیه السلام که احیای اموات می کرد، نیست که فقط برای اعجاز و دلالت بر صدق نبی اکرم علیه السلام آمده باشد؛ بلکه این صحیفه الهیه، کتاب احیای قلوب به حیات ابدی علم و معارف الهیه است. این کتاب خداست و به شئون الهیه (جل و علا) دعوت می کند. مفسر باید شئون الهیه را به مردم تعلیم کند و مردم باید برای تعلم شئون الهیه به آن رجوع کنند تا استفادت از آن حاصل شود.» (موسوی خمینی، آداب الصلاة، ۱۳۷۲ ش: ۱۹۴).

ویژگی های عرفان قرآن از منظر امام خمینی علیه السلام

اگرچه بسیاری از مفسران و عارفان در تبیین ماهیت عرفان برآمده از قرآن بسیار کوشیده اند؛ اما بیانات امام خمینی علیه السلام در این باب بسیار شگرف و دقیق تر است. ایشان ویژگی های چندی را برای عرفان قرآنی و اعجاز و برتری آن بر دیگر عرفان ها بیان می دارند.

الف: مبدئیت عرفان قرآنی برای تمام عرفان ها

از نگاه حضرت امام علیه السلام قرآن کریم مرکز همه عرفان ها و مبدأ همه معرفت هاست (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۴ ش: ۲۵۱/۱۹)، و روایات و دعا های مأثور لسان، شارح و صورت تفصیل یافته و مبسوط معارف قرآن است (موسوی خمینی، تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۸ ش: ۹۸) و کتب عرفانی قوم،



ترجمان و برگرفته از دو منبع قرآن و سنت است. امام در یکی از گفتارهای خویش می‌فرمایند: «تمام این مسائل که عرفا در طول کتاب‌های طولانی خودشان یا خودشان می‌گویند در چند کلمه مناجات شعبانیه هست؛ بلکه عرفای اسلام از همین ادعیه و از همین دعا‌هایی که در اسلام وارد شده است، از این‌ها استفاده کرده‌اند.» (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۴ش: ۲۴۰/۱۲).

و در جای دیگر سوگند یاد می‌کنند که: «به جان دوست سوگند که کلمات نوع آنها [عارفان] بیانات قرآن و حدیث است.» با این تفاوت که آنچه را اهل عرفان مبسوط و درخور فهم گفته‌اند، در قرآن کریم به‌طور رمز و سر بسته، و در ادعیه و مناجات اهل عصمت بازتر آمده است (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۴ش: ۳۴۷/۲۲).

ب: خدامداری و خلق‌داری عرفان قرآنی

در عرفان کسانی چون جنید بغدادی، ذوالنون مصری و محی‌الدین عربی، معرفت، نه از قیل و قال و درآویختن با مردم و اهل دنیا که از ترک دنیا و لذت‌ها، دوری از مردم، خاموشی و کنج عزلت گزیدن ممکن است و دوری از خلق سبب خاموشی شود؛ زیرا که هرکس از مردم دور باشد کسی را نیابد که با او سخن گوید پس به خاموشی انجامد به زبان (ابن عربی، رسائل ابن عربی، بی‌تا: ۱۳).

اما عرفان قرآنی از دیدگاه حضرت امام، نه در ستیز و گریز از خلق که به همدلی و همراهی و خدمت به خلق خدا سفارش می‌کند، بدان‌سان که خدمت به مردمان و بندگان خدا را عبادتی بس بزرگ و عین سلوک و طی طریق حقیقت می‌شمارد و غفلت و دوری از درد و رنج محرومان و ستم‌دیدگان را گناه نابخشودنی می‌داند.

در نگاه حضرت امام علیه السلام آنان که خیال کرده‌اند که این علوم معنوی [عرفانی] مردم را از فعالیت بازمی‌دارد، اشتباه‌شان در آن است که نداشته‌اند عرفان همان تشکیل حلقه‌های ذکر و سرجنباندن و رقصیدن است، با اینکه در سیره عارفان راستین، نه خبر از حلقه ذکر و رقص است، و نه رهاکردن خلق‌الله به بهانه پرداختن به نیایش و دعا. ایشان در تبیین این مسئله به به زندگی عرفانی امیرالمومنین اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «امیرالمومنین علیه السلام در عین حال که اعرف خلق‌الله بعد از رسول‌الله صلی الله علیه و آله در این امت بود، مع ذلک نرفت کنار بنشیند و هیچ کاری به هیچی نداشته باشد. هیچ وقت هم حلقه ذکر نداشت، مشغول بود به کارهایش. یا خیال می‌شود که کسی که اهل سلوک است، اهل سلوک باید به مردم دیگر کار نداشته باشد، در شهر هرچه می‌خواهد بگذرد... این سلوک در انبیا زیادتر از دیگران بوده است، در اولیا زیادتر از دیگران بوده است، لکن نرفتند در خانه‌شان بنشینند و بگویند که ما اهل سلوکیم و چه کار داریم که به ملت چه می‌گذرد، هرکه هر کاری می‌خواهد بکند... موسی بن عمران اهل

سلوک بود، ولی مع ذلک رفت سراغ فرعون و آن کارها را کرد، ابراهیم هم همین طور، رسول خدا هم که همه می دانیم... سال های طولانی در سلوک بوده است، وقتی که فرصت پیدا کرد یک حکومت سیاسی ایجاد کرد برای اینکه عدالت ایجاد بشود.» (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۴ ش: ۳۰/۲۰).

ج: نیازمندی درک اعجاز عرفانی قرآن به ذوق عرفانی

از منظر امام خمینی (ره) مفسران قرآن هریک بنابر مشرب تفسیری خود به تفسیر و تبیین کلام الهی مبادرت ورزیده اند و به بعضی از پرده های قرآن پرداخته اند و هرچند مساعی آنان پرتیتر بوده است، لیکن عظمت قرآن به اندازه ای است که از فهم مفسران برتر و بالاتر است. ایشان در بیان این نکته می فرمایند: «چه بسا مسائل عرفانی که در قرآن و این مناجات های ائمه اطهار (علیهم السلام) و همین مناجات شعبانیه است که اشخاص، فلاسفه، عرفا تا حدودی ممکن است ادراک کنند، بفهمند عناوین را، لکن آن ذوق عرفانی چون حاصل نشده است، نمی توانند وجدان کنند. آیه شریفه در قرآن «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (نجم/ ۸ - ۹) مفسران، فلاسفه در این باب صحبت ها کردند. لکن ذوق عرفانی کم شده است.» (همان: ۲۶۶/۱۷).

حضرت امام، وجدان نکات عرفان قرآنی را نیاز به ذوق عرفانی دانسته و می نویسند: «چه بسا مسائل عرفانی که در قرآن... هست که اشخاص، فلاسفه، عرفا تا حدودی ممکن است ادراک کنند، بفهمند عناوین را، لکن آن ذوق عرفانی چون حاصل نشده است، نمی توانند وجدان کنند.» (همان).

د: ممکن نبودن درک کامل نکات عرفانی قرآن برای غیرمعصوم

امام خمینی (ره) با اشاره به روایات معصومین که برای قرآن تا هفتاد بطن قائل شده اند، معتقد است که حقایق قرآن به زبانی بیان شده است که کسانی که به آن روی آورند به میزان معرفت و خلوصی که اندوخته اند، از آن بهره مند می گردند (همان: ۱۹۱/۱۸)، لکن تفسیر حقیقی کلام الهی در طاقت بشری نیست و فقط معصوم است که می تواند مراد واقعی از آن را فهم نماید (موسوی خمینی، تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۸ ش: ۱۸)؛ و به تعبیر روایات «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِطِبَ بِهِ» فهم حقیقی قرآن از آن کسانی است که مورد خطاب قرآن قرار گرفته اند؛ حتی جبرئیل امین (علیه السلام) نیز یک واسطه ای است که این آیات را از غیب بر حضرت ختمی مرتبت رسانده و خود به فهم آن نائل نشده است و (من خطوب به) فقط رسول اکرم است و دیگران هم به واسطه تعلیم آن حضرت (علیه السلام) است که فهمیده اند و بنابراین دست بشر عادی از فهم واقعی آن کوتاه است (همان: ۱۹۱/۱۸). بدین جهت است که امام خمینی (ره) چون به تفسیر قرآن می پردازد، گفتار خود را جز احتمالی در تفسیر نمی داند و تبیین خویش از قرآن را تنها تفسیر و قطعی نمی شمارد (موسوی خمینی، تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۸ ش: ۱۹).



استدلال امام خمینی علیه السلام بر اعجاز عرفانی

امام خمینی علیه السلام در عین حال که اعجاز بلاغی قرآن کریم را قبول دارد، اخبار از غیب را وجهی دیگر بر اعجاز قرآن کریم می داند و اعجاز در تشریع و دقت در قانون و قانونگذاری را می پذیرد؛ ولی معتقد است که جهت اصلی اعجاز قرآن کریم، در معارف بلند و عمیق توحیدی آن است؛ بنابر نظر ایشان، شهرت اعجاز بلاغی قرآن بدین دلیل بوده است که مردم عصر نزول قرآن در فصاحت و بلاغت تخصص داشتند و به آن اهمیت فراوانی می دادند. درواقع، اعجاز قرآن وجوه متعددی دارد که کمترین وجه آن، جنبه ادبی است و آنان که از علوم حقیقی بی بهره اند و تنها ترکیبات لفظی و صنایع ادبی را نهایت علم و عرش المعرفه خود می دانند، تنها به اعجاز فصاحت و بلاغت توجه می کنند و اهل معرفت واقعی، اعجاز قرآن کریم را در توحید و شناخت حقایق و معارف الهی جستجو می کنند و این همان چیزی است که تنها در قرآن یافت می شود و در هیچ کتاب دیگر حتی درجه پایین آن یافت نمی شود، مگر آنکه از قرآن بهره گرفته باشد (موسوی خمینی، آداب الصلاة، ۱۳۷۲ش: ۲۶۳؛ همو، تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۸ش: ۴۵).

اینکه چگونه معارف معنوی قرآن معجزه است، امام توضیح می دهند که با چه اصول، مبانی و مستندات می توان اعجاز عرفانی قرآن کریم را تقریر کرد، ایشان به همان شیوه ای که در اعجاز بیانی استدلال می شود، این بخش از اعجاز را برهانی می کنند و این گونه توضیح می دهند: «آن معارفی که به برکت بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در عالم پخش شد، کسانی که مطلع اند که این معارف چنانچه است و تا آن اندازه ای که ماها می توانیم ادراک بکنیم، می بینم که از حد [درک] بشریت خارج است؛ اعجازی است فوق ادراک بشریت از یک انسانی که در جاهلیت متولد شده است، در جاهلیت بزرگ شده است و یک آدمی بوده است که در یک محیطی پرورش یافته است که اسمی از این مسائل اصلاً نبوده در آن وقت. محیط آنجا اصلاً راجع به مسائل دنیا و به مسائل عرفان و فلسفه و سایر مسائل اصلاً آشنایی نداشتند و در تمام عمرش، حضرت آنجا بوده، یک سفر مختصری کرده است که چند وقتی، یک چند روزی، سفر کرده و برگشته. آن وقت، وقتی که بعثت حاصل شد، انسان می بیند که یک مطالبی پیش آورده است که از حد بشریت خارج است. این اعجازی است که برای اهل نظر، دلیل بر نبوت پیغمبر است، و الا ایشان به خودش نمی توانست این کار را بکند. نه تحصیلاتی داشت، حتی نوشتن را هم نمی دانست. مسائل، یک مسائل بزرگی است که ما نمی توانیم در اطرافش صحبت کنیم و کشف هم نشده است؛ برای خود ایشان است و کسانی که خاص الخاص ایشان هستند، این یک امر اعجاز است. غیر از اعجاز چیز دیگر نمی تواند باشد.» (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۴ش: ۲۰/۲۳۹؛ ۷۸/۱۶).

از مجموع مکتوبات و سخنان حضرت امام می‌توان موارد زیر را به عنوان استدلال‌های ایشان بر اعجاز عرفانی قرآن برشمرد.

الف. تحول‌آفرینی قرآن در عرفان

به اعتقاد حضرت امام علیه السلام تحول معنوی و عرفانی که به واسطه قرآن پیدا شده است، یکی از نشانه‌های اعجاز عرفانی قرآن است. ایشان در تبیین این تحول می‌نویسند: «در سیر عرفانی، شما ملاحظه بفرمایید که قبل از اسلام چه بوده است و بعد از اسلام و با تعلیمات اسلام مقدس و قرآن کریم چه شده است. اشخاصی که قبل از اسلام بودند در عین حالی که اشخاص بزرگی بودند، مثل ارسطو و امثال او، مع ذلک وقتی کتاب‌های آنها را ملاحظه می‌کنیم، بویی از آن چیزی که در قرآن کریم است در آنها نیست... تحول معنوی و تحول عرفانی که به واسطه قرآن پیدا شده است، فوق همه مسائل است.» (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۴ ش: ۱۹۱/۱۸).

ایشان در جای دیگری، این تحول را این‌گونه تشریح می‌کنند: «بعثت و نزول وحی از جانب خدای تبارک و تعالی بر قلب مبارک آن سرور آمده، اسراری است برای بشر تاکنون معلوم نشده است. آنکه قرآن کریم دنبالش بوده است، حتی برای متعمقان آخرالزمان هم به آن طوری که باید کشف نشده است و همین مقداری که معلوم شده است و کشف شده است، وقتی که ملاحظه کنید با قبل از اسلام و معارف قبل از اسلام و فلسفه قبل از اسلام و عدالت‌های اجتماعی قبل از اسلام می‌بینید که همین مقدار هم یک تحول عظیمی در دنیا پیش آورده است که سابقه نداشته است و لاحق هم ندارد. در سیر عرفانی، شما ملاحظه بفرمایید که قبل از اسلام چی بوده است و بعد از اسلام و با تعلیمات اسلام مقدس و قرآن کریم چه شده است.» (همان: ۲۶۱/۱۸).

ارائه مکتبی عرفانی که بتواند سالک را به مقاصد اعلی برساند، آرمان عارفان و معلمان عرفان بوده است. تعیین هدف عرفان، طریق، لوازم و آسیب‌های آن در بیشتر مکاتب عرفانی دیده می‌شود؛ اما آنچه در قرآن کریم در این زمینه دیده می‌شود، بسیار متفاوت و غیرقابل مقایسه با این مکاتب است؛ از این روست که مکتب عرفانی قرآن کریم توانست در مدت کوتاهی عارفان بزرگی همچون سلمان، ابوذر و... را تربیت کند و تحول عظیمی در مکاتب عرفانی رائج ایجاد کند.

تحول عرفانی‌ای که به واسطه قرآن ایجاد شد محدود در شبه‌جزیره نماند و به فزاینده‌ای از مرزهای اسلامی نیز نفوذ کرد. به فرموده حضرت امام علیه السلام «مسئله بعثت یک تحول علمی - عرفانی در عالم ایجاد کرد که آن فلسفه‌های خشک یونانی را که به دست یونانی‌ها تحقق پیدا کرده بود و ارزش هم داشت و دارد، لکن مبدل کرد به یک عرفان عینی و یک شهود واقعی برای ارباب شهود.» (همان: ۲۵۰/۱۸).



ب. جامعیت عرفان قرآن کریم

امام خمینی علیه السلام با تأکید زیادی بر جامعیت معارف عرفانی قرآن، آن را سری از اسرار اعجاز قرآن دانسته و می نویسد: «باید دانست که در این کتاب جامع الهی، به طوری این معارف، از معرفة الذات تا معرفة الافعال، مذکور است که هر طبقه به قدر استعداد خود از آن ادراک می کنند؛ چنان که آیات شریفه توحید و خصوصاً توحید افعال را علمای ظاهر و محدثان و فقها طوری بیان و تفسیر می کنند که به کلی مخالف و مباین است با آنچه اهل معرفت و علمای باطن تفسیر می کنند و نویسنده هر دو را در محل خود درست می داند؛ زیرا که قرآن شفای دردهای درونی است و هر مریض را به طوری علاج می کند... برای هریک از طبقات علمای ظاهر و باطن، طوری شفای امراض است و در عین حال که بعضی آیات شریفه، مثل آیات اول حدید و سورة مبارکه توحید، به حسب حدیث شریف کافی (کلینی، الکافی، ۱۴۰۱ ق: ۱/۱۲۳)، برای متعمقان از آخرالزمان وارد شده، اهل ظاهر را نیز از آن بهره کافی است و این از معجزات این کتاب شریف و از جامعیت آن است.» (موسوی خمینی، آداب الصلاة، ۱۳۷۲ ش: ۱۸۶).

به اعتقاد حضرت امام علیه السلام، قرآن کریم انسان ها را به عرفانی دعوت می کند که هم جهات مادی و هم جهات معنوی در آن لحاظ شده است. ایشان از یکسونگری برخی مفسران شکوه کرده و می نویسند: «بسیاری از زمان ها بر ما گذشت که یک طائفه فیلسوف و - عرض می کنم که - عارف و متکلم و امثال ذلک که دنبال همان جهات معنوی بودند، این ها گرفتند معنویات را هرکسی به اندازه ادراک خودش و تخته کردند قشریون را. تمام ماعدای خودشان را حساب کردند؛ بلکه وقتی دنبال تفسیر قرآن رفتند ملاحظه می کنید که (تمام آیات را نباشد) اکثر آیات را برگرداندند به آن جهات عرفانی و فلسفی و جهات معنوی و به کلی غفلت کردند از حیات دنیایی و جهاتی که در اینجا به آن احتیاج هست و تربیت هایی که در اینجا باید بشود (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۴ ش: ۱/۲۳۵).

به فرموده ایشان، این عرفا اسلام را قبول داشتند، لکن تمام مسائل را برمی گرداندند به آن معانی عرفانی، مسائل روز قائل نبودند و حتی اگر روایتی یا آیه ای در جهاد می آمد، آنها همان جهاد نفس را می گفتند هست و اسلام را یک صورت دیگری غیر از آن صورت واقعی که جامع است، جامع همه اطراف است، نظر می کردند (همان: ۱۰/۱۲۳). از منظر حضرت امام افرادی که این تأویل ها را انجام می دادند کسانی بودند که مباحث قرآنی درباره زندگی دنیا و به ویژه حکومت اسلامی اصلاً توجه نداشتند (همان: ۱۰/۲۷۴).

ج. حیرانی انسان‌ها در برابر مباحث عرفانی قرآن

از منظر حضرت امام علیه السلام، گذشته اینکه انسان‌ها نمی‌توانند با قرآن از جنبه عرفانی هم‌آوردی کنند، در شناخت آن نیز حیران هستند. به تعبیر ایشان «قرآن شریف تنها کتاب سلوک الی الله و یکتا کتاب تهذیب نفوس و آداب و سنن الهیه است و بزرگ‌ترین وسیله رابطه بین خالق و خلق و عروة الوثقی و جبل‌المتین تمسک به عزّ ربوبیت است و قرآن شریف به قدری جامع لطائف و حقایق و سرایر و دقایق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می‌مانند و این اعجاز بزرگ این صحیفه نورانیه آسمانی است؛ نه فقط حسن ترکیب و لطف بیان و غایت فصاحت و نهایت بلاغت و کیفیت دعوت و اخبار از مغیبات و احکام و اتقان تنظیم عانله و امثال آن که هریک مستقلاً اعجازی فوق طاقت و فارق عادت است (موسوی خمینی، آداب الصلاة، ۱۳۷۲ش: ۲۶۳).

د. روایات متعمقون

حضرت امام علیه السلام به برخی روایات اشاره می‌کنند که از وجود معارفی در قرآن سخن می‌گویند که در سطح فهم انسان‌های عادی نیست که نشان از این دارد که هم‌آوردی با قرآن در مطالب عرفانی و معنوی آن ممکن نیست.

ایشان پس از تشریح حدیث متعمقون (کلینی، الکافی، ۱۴۰۱ق: ۹۱/۱)، می‌نویسند: «آنچه در ذیل حدیث شریف می‌فرماید که «فمن رام وراء ذلك فقد هلك» اشاره به آن است که این قدر که در این آیات شریفه و سورة مبارکه توحید از معارف مذکور است، حد علوم بشری و غایه القصوای معارف است که اگر کسی گمان کند که بالاتر از این معارف پیش کسی است به خطا رفته.» (موسوی خمینی، شرح چهل حدیث، ۱۳۷۴ش: ۶۵۹).

ه. تنزل معارف قرآن از غیب

قرآن از مرحله غیب نازل شده است و در آن مرحله، واقعیات به طور کامل وجود دارد. امکان اتصال با غیب، مخصوص خداوند متعال و کسانی است که به آنان اذن بدهد. و از آنجا که انسان‌های عادی امکان اتصال به عالم غیب را ندارند، نمی‌توانند متنی همچون قرآن را بیاورند که حاکی و مظهر کامل حقائق باشد. حضرت امام این مسئله را این‌گونه تبیین می‌کنند: «قرآن دارای ابعادی است که تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث نشده بودند و قرآن متنزل نشده بود از آن مقام غیب، نازل نشده بود از آنجا و با آن جلوه نزولیش در رسول خدا جلوه نکرده بود، برای احدی از موجودات ملک و ملکوت ظاهر نبود... قرآنی که الان در دست است نازلۀ هفتم قرآن است و این از برکات بعثت است و همین نازلۀ هفتم چنان تحول



در عرفان اسلامی، در عرفان جهانی به وجود آورد که اهل معرفت شمه‌ای از آن را می‌دانند و بشر از همه ابعاد او، یعنی جمیع ابعاد او برای بشر باز معلوم نشده است و معلوم نیست معلوم شود.» (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۴ش: ۲۶۶/۱۷).

و. برتری مباحث عرفانی قرآن بر دیگر کتب عرفانی

امام خمینی رحمه الله معتقدند که قرآن دربرگیرنده مهم‌ترین نکات عرفانی است و نمی‌توان کتابی را بهتر از قرآن در عرفان یافت. فلاسفه و عرفای بزرگ هرچه دارند از قرآن اخذ کرده‌اند و بنابر اعتقاد ایشان «برترین نکات عرفانی که امروزه بین عرفا رایج است، از قرآن متخذ است؛ حتی نکاتی که نزد فلاسفه بزرگ یونان سابقه نداشته و ارسطو و دیگر فلاسفه و عرفا از آن بی‌خبر و از درک و فهم آنها عاجز بوده‌اند، همه از قرآن است. فلاسفه و عرفای اسلامی نیز که در مهد قرآن بزرگ شده‌اند، هرچه دارند، از قرآن دریافته‌اند و نکات عرفانی آن‌گونه که در قرآن است، در هیچ مکتوبی نیست.» (موسوی خمینی، جلوه‌های رحمانی، ۱۳۷۱ش: ۲۴).

ایشان در تبیین این مسئله می‌فرماید: «این کتاب عزیز در محیط و عصری نازل شد که تاریک‌ترین محیط و عقب‌افتاده‌ترین مردم در آن زندگی می‌کردند و به دست کسی و قلب الهی کسی نازل شد که زندگی خود را در آن محیط ادامه می‌داد، و در آن حقایق و معارفی است که در جهان آن روز چه رسد به محیط نزول آن سابقه نداشت و بالاترین و بزرگ‌ترین معجزه آن، همین است؛ آن مسائل بزرگ عرفانی که در یونان و نزد فلاسفه آن سابقه نداشت و کتب ارسطو و افلاطون، بزرگ‌ترین فلاسفه آن عصرها، از رسیدن به آن عاجز بودند و حتی فلاسفه اسلام که در مهد قرآن کریم بزرگ شدند و از آن استفاده‌ها نمودند به آیاتی که به‌صراحت زنده‌بودن همه موجودات جهان را ذکر کرده، آن آیات را تأویل می‌کنند و عرفای بزرگ اسلام که از آن ذکر می‌کنند، همه از اسلام اخذ نموده و از قرآن کریم گرفته‌اند و مسائل عرفانی به آن نحو که در قرآن کریم است در کتاب دیگر نیست و اینها معجزه رسول اکرم است» (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۴ش: ۲۱۰/۱۶).

نتیجه

حضرت امام که سیراب از کوثر عرفان قرآن شده است، برای عرفان قرآنی ویژگی‌هایی را بیان می‌کنند که انسان را معجب به پذیرش اعجاز عرفانی قرآن کریم می‌کند. اعجاز عرفانی این کتاب مقدس آن‌گونه چشمگیر است که دیگر ابعاد اعجازی آن را تحت الشعاع قرار می‌دهد. قرآن تحولی سترگ در عرفان‌های موجود ایجاد کرده است که می‌توان دگرگون‌شدن بسیاری از آنها و حیران‌ماندن عرفا در برابر عرفان قرآنی را به‌روشنی مشاهده کرد.

البته به تعبیر امام خمینی رحمه الله باید اهل عرفان بود و قرآن را از منظر عرفانی مطالعه کرد تا اعجاز آن را از این زاویه درک کرد. این ادعایی استوار بر مبانی مستحکم و براهینی مستدل است که در کلمات اندیشمندان قبل از حضرت امام مشاهده نشده است؛ از این رو می‌توان امام خمینی رحمه الله را مبدع و مبین اعجاز عرفانی قرآن به شمار آورد.

اعتقاد امام بر این است که هدف اصلی نزول قرآن کریم، تربیت انسان‌هاست و تربیت جز از راه معرفت حاصل نمی‌شود. قرآن باب معرفت جامع الهی است که صفات الهی در آن تجلی یافته است. این کتاب بطونی دارد که بسیاری از معارف عرفانی از آن قابل استنباط است. عرفان مستنبط از این کتاب آسمانی از سویی نظر به صفات جمال و جلال الهی دارد و از سویی دیگر عارف را در خدمت خلق قرار می‌دهد.



منابع

۱. ابن عربی، محی الدین، رسائل ابن عربی، تهران: انتشارات مولی، بی تا.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالکتب اسلامیة، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۴. جوهری، اسماعیل ابن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت: دارالعلم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، قم: ذوی القربی، چاپ پنجم، ۱۴۲۶ق.
۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، علوم قرآن (۲)، قم: المصطفی، ۱۳۹۲ش.
۷. زرین کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیه، تهران: امیرکبیر، چاپ نهم، ۱۳۸۱ش.
۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۰. فناری، محمد بن حمزه، مصباح الانس، قم: انتشارات مولی، ۱۳۷۴ش.
۱۱. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۵ق.
۱۲. قیصری، داوود، مقدمه شرح قیصری بر فصوص الحکم، قم: انوارالهدی، ۱۴۱۶ق.
۱۳. کاشانی، کمال الدین، عبدالرزاق، اصطلاحات الصوفیه، تهران: بیدار، چ دوم، ۱۳۷۰ش.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، با تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۱ق.
۱۵. گاردی، یوستاین، دنیای سوفی، ترجمه: کورش صفوی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۷ش.
۱۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الکتاب للترجمة و النشر، ۱۴۰۲ق.
۱۷. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی ۲، تهران: صدرا، چاپ پانزده، ۱۳۷۹ش.
۱۸. موسوی خمینی، سید روح الله، شرح حدیث عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۷ش.
۱۹. _____، آداب الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۲ش.
۲۰. _____، تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار، ۱۳۷۸ش.

۲۱. _____، جلوه‌های رحمانی، تهران: معاونت فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۷۱ ش.
۲۲. _____، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴ ش.
۲۳. _____، صحیفه نور، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
۲۴. _____، کشف الاسرار، قم: انتشارات مصطفوی، بی تا.
۲۵. _____، شرح دعای سحر، ترجمه سید احمد فهری، تهران: نشر تربت، چاپ سوم، ۱۳۸۴ ش.
۲۶. مهدی‌زاده، امیر؛ عمادی، عبدالله، اعجاز تربیتی در آیه رضاع از دیدگاه مصطفی رجب و نقد آن، دوفصلنامه پژوهشی قرآن و علم، ش ۳۰، ۱۴۰۱ ش.
۲۷. هوردن، ویلیام، راهنمای الهیات پروتستان، ترجمه طاطاوس میکانلیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ش.

References

1. Fannari, Mohammad bin Hamza, *Misbah al-Uns (The Lamp of Intimacy)*, Mowla Publications, Qom: 1374 SH (1995-1996 CE).
2. Farahidi, Khalil bin Ahmad, *Kitab al-Ayn (The Book of the Ayn)*, Hijrat, Qom: 2nd Edition, 1410 AH (1989-1990 CE).
3. Fayoumi, Ahmad bin Mohammad, *Misbah al-Munir (The Illuminating Lamp)*, Dar al-Hijrah, Qom: 1405 AH (1984-1985 CE).
4. Gaarder, Jostein, *Dunyaye Sofies (Sophie's World)*, Translated by Koresh Safavi, Cultural Studies Office, Tehran: 1387 SH (2008-2009 CE).
5. Hordern, William, *A Layman's Guide to Protestant Theology*, Translated by Tatos Mikaelian, Scientific and Cultural Publications Company, Tehran: 1368 SH (1989-1990 CE).
6. Ibn Arabi, Muhyiddin, *Rasa'il Ibn Arabi (Treatises of Ibn Arabi)*, Tehran: Mowla Publications, n.d.
7. Ibn Faris, Ahmad, *Mu'jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of the Measures of Language)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Beirut: 3rd Edition, 1420 AH (1999-2000 CE).
8. Ibn Manzur, Mohammad bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Dar Sadir, Beirut: 3rd Edition, 1414 AH (1993-1994 CE).
9. Jawhari, Ismail bin Hammad, *Al-Sihah Taj al-Lughah wa Sihah al-Arabiyyah (The Crown of Language and Correctness of Arabic)*, Dar al-Ilm, Beirut: 3rd Edition, 1404 AH (1983-1984 CE).
10. Kashani, Kamal al-Din, Abd al-Razzaq, *Istilahat al-Sufiyah (The Terminology of Sufism)*, Bidar, Tehran: 2nd Edition, 1370 SH (1991-1992 CE).
11. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, *Usul al-Kafi (The Fundamentals of Al-Kafi)*, Edited by Ali Akbar Ghafari, Dar al-Ta'aruf, Beirut: 1401 AH (1980-1981 CE).
12. Mahdizadeh, Amir; Emadi, Abdullah, *Ejaz-e Tarbiyati dar Ayat-e Riza az Didgah-e Mostafa Rajab wa Naqd-e Aan (Educational Miracle in the Verse of Breastfeeding from the Perspective of Mostafa Rajab and Its Critique)*, Biannual Research Journal of Quran and Science, Issue 30, 1401 SH (2022-2023 CE).
13. Mostafavi, Hassan, *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (An Investigation into the Words of the Noble Quran)*, Center for Translation and Publishing, 1st Edition, 1402 AH (1981-1982 CE).
14. Motahari, Morteza, *Ashna'i ba Ulum-e Islami 2 (An Introduction to Islamic Sciences 2)*, Sadra Publications, 15th Edition, 1379 SH (2000-2001 CE).
15. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Adab al-Salat (The Etiquette of Prayer)*, Institute for Compilation and Publication of Imam's Works, Tehran: 1372 SH (1993-1994 CE).
16. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Jalwat-ha-ye Rahmani (Divine Manifestations)*, Cultural Assistance of the Martyrs' Foundation, Tehran: 1371 SH (1992-1993 CE).

17. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Kashf al-Asrar (The Unveiling of Secrets)*, Mostafavi Publications, Qom, n.d.
18. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Sahifeh Noor (The Book of Light)*, Center for Cultural Documentation of the Islamic Revolution, Tehran: 1364 SH (1985-1986 CE).
19. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Sharh Chehel Hadith (Commentary on Forty Hadiths)*, Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Tehran: 1374 SH (1995-1996 CE).
20. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Sharh Du'a Sahar (Commentary on the Du'a of Sahar)*, Translated by Seyyed Ahmad Fahri, Nashr Torbat, Tehran: 3rd Edition, 1384 SH (2005-2006 CE).
21. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Sharh Hadith Aql wa Jahl (Commentary on the Hadith of Intellect and Ignorance)*, Institute for Compilation and Publication of Imam's Works, Tehran: 1377 SH (1998-1999 CE).
22. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, *Tafsir Surah al-Hamd (Commentary on Surah Al-Hamd)*, Institute for Compilation and Publication of Imam's Works, Tehran: 1378 SH (1999-2000 CE).
23. Qaysari, Dawood, *Muqaddimah Sharh Qaysari bar Fusus al-Hikam (Introduction to Qaysari's Commentary on The Bezels of Wisdom)*, Anwar al-Huda, Qom: 1416 AH (1995-1996 CE).
24. Raghib al-Isfahani, Hossein bin Mohammad, *Mufradat Alfaz al-Quran (Vocabulary of the Quran)*, Zawi al-Qurba, Qom: 5th Edition, 1426 AH (2005-2006 CE).
25. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, *Ulum Quran (2) (Quranic Sciences 2)*, Al-Mustafa, Qom: 1392 SH (2013-2014 CE).
26. Turayhi, Fakhr al-Din, *Majma' al-Bahrayn (The Confluence of the Two Seas)*, Mortezaei Bookstore, 3rd Edition, Tehran: 1375 SH (1996-1997 CE).
27. Zarrinkoub, Abdolhossein, *Arzesh-e Miras-e Sufiyah (The Value of Sufi Heritage)*, Amir Kabir, Tehran: 9th Edition, 1381 SH (2002-2003 CE).